

## اشتراط بارداری و ولادت در نحر حرمت با رضاع

بحث در بررسی شروط معتبر در نحر حرمت با شیردهی بود. به نظر ما شروط معتبر در شیردهی عبارتند از:

اول: شیر ناشی از بارداری باشد.

پس مواردی که شیر به علت دیگری غیر از بارداری ایجاد شده باشد مثلاً با آمپول‌های هرمونی و ... تولید شده باشد نحر حرمت نمی‌کند.

این شرط مورد وفاق همه علماء است.

دوم: شیر ناشی از ولادت باشد.

بنابراین شیری که ناشی از بارداری باشد اما قبل از وضع حمل تولید شده باشد برای نحر حرمت کافی نیست.

این شرط اگر چه مشهور است اما در آن اختلاف وجود دارد.

باید توجه کرد که مقتضای اصل اشتراط است چون نحر حرمت خلاف اصل است و لذا هر شرطی که مشکوک هم باشد مقتضای اصل اعتبار آن در نحر حرمت است. با این حال برای این دو شرط می‌توان به برخی روایات استدلال کرد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِزَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع ... قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَسَّرَ لِي ذَلِكَ فَقَالَ كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنٍ فَحَلَيْهَا وَلَدَ امْرَأَةٍ أُخْرَى مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غُلَامٍ فَذَلِكَ الرَّضَاعُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنٍ فَحَلَيْتِ كَانَا لَهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غُلَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ رَضَاعٌ لَيْسَ بِالرَّضَاعِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ وَإِنَّمَا هُوَ مِنْ نَسَبِ نَاحِيَةِ الصُّهْرِ رَضَاعٌ وَ لَا يَحْرُمُ شَيْئاً وَ لَيْسَ هُوَ سَبَبَ رَضَاعٍ مِنْ نَاحِيَةِ لَبَنِ الْفُحُولَةِ فَيَحْرُمُ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۴۲)

سند روایت معتبر است و امام علیه السلام در این روایت می‌فرمایند هر زنی از شیر شوهرش بچه‌ای را شیر بدهد حرمت ایجاد می‌شود. اضافه لبن به شوهر به این اعتبار است که شیر از شوهر نشأت گرفته است و روشن است شیر در صورتی از شوهر ناشی است که شوهر آن زن را باردار کرده باشد پس شیر در صورتی شیر شوهر است که از بارداری نشأت گرفته از شوهرش باشد و بعداً خواهیم گفت همین روایت دلیل بر نحر حرمت با شیری است که از بارداری از نطفه شوهر با تلقیح مصنوعی تولید شده باشد چون در آن جا

هم صدق می‌کند که «أَرْضَعْتَ مِنْ لَبَنِ فَحَلِيهَا». اما مواردی که شیر از بارداری ناشی نشده است بلکه مثلاً در اثر داروهای هرمونی تولید شده باشد این تعبیر صادق نیست و لذا نشر حرمت نمی‌کند.

در ادامه امام تذکر داده است که اتحاد فحل شرط است پس اگر زن از شیر دو شوهر بچه‌هایی را شیر بدهد بچه‌هایی که از شیر شوهر دوم خورده‌اند به شوهر اول محرم نیستند و بچه‌های شوهر دوم به بچه‌هایی که از شوهر اول شیر خورده‌اند محرم نمی‌شوند و بالعکس.

بنابراین از این روایت اشتراط ناشی شدن شیر از بارداری استفاده می‌شود و البته شروط دیگری هم از آن قابل استفاده است مثل اینکه شیرده زن باشد، ناشی از شوهر باشد و ... که توضیح آنها خواهد آمد.

روایت دیگر:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ لَبَنِ الْفَحْلِ قَالَ هُوَ مَا أَرْضَعَتْ امْرَأَتُكَ مِنْ لَبَنِكَ وَ لَبَنِ وَ لَدِكَ وَ لَدَ امْرَأَةٍ أُخْرَى فَهُوَ حَرَامٌ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۴۰)

همین روایت را به سند دیگری هم نقل کرده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ لَبَنِ الْفَحْلِ قَالَ مَا أَرْضَعَتْ امْرَأَتُكَ مِنْ لَبَنِكَ وَ لَدِكَ وَ لَدَ امْرَأَةٍ أُخْرَى فَهُوَ حَرَامٌ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۴۰)

سند روایت صحیح است و از این روایت هم اتحاد فحل قابل استفاده است. مفاد روایت این است که شیر باید شیر مرد و شیر بچه مرد باشد و روشن است که جایی که شیر ناشی از بارداری نباشد شیر مرد و شیر ولد بر آن صدق نمی‌کند. هم چنین ولد بعد از ولادت است و قبل از ولادت ممکن است پسر و دختر صدق کند اما ولد صدق نمی‌کند و در روایت گفته شده است باید «و لَبَنِ وَ لَدِكَ» باشد که قبل از تولد صدق نمی‌کند.

روایت دیگر:

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ امْرَأَةٍ دَرَّ لَبْنُهَا مِنْ غَيْرِ وَ لَادَةٍ فَأَرْضَعَتْ جَارِيَةً وَ غُلَامًا بِدَلِكِ اللَّبَنِ هَلْ يَحْرُمُ بِدَلِكِ اللَّبَنِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ لَا. (جلد ۵، صفحه ۴۴۶)

سند روایت موثق است و مفاد آن این است که زن اگر بدون ولادت شیر دار بشود و شیر بدهد نشر حرمت نمی‌کند.

مرحوم صدوق هم همین روایت را به سند دیگری نقل کرده است:

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَمْرِو بْنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۴۷۹)

مرحوم شيخ هم روايت ديگري نقل کرده است که مفاد آن همين است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ الْبَصْرِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع امْرَأَةٌ دَرَّ لَبَنُهَا مِنْ غَيْرِ وِلَادَةٍ فَأَرْضَعَتْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا أَيْحُرْمُ مِنْ ذَلِكَ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ فَقَالَ لِي لَا. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۲۵)

اين دو روايت هم اثبات می کنند شیر بايد ناشی از بارداری باشد و هم ناشی از ولادت باشد هر چند لزوم فحل را اثبات نمی کند.